

## علل احکام و ملاکات و مصالح آن

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: آیا عقل بشری می تواند به ملاکات احکام و علل آن دست یابد مخصوصاً احکامی که اجتماعی بوده و تعبدی و فردی نیستند؟ به گونه ای که بیشتر به روح شریعت و مقاصد آن نزدیک شویم امری که موجب می شود احکام شرعی به واقعیت زندگی مرتبط شوند. به گونه ای که وقتی بشر به نتایجی که این احکام و عمل به آن ها در زندگی آن ها ایجاد می کند آگاه شوند و میزان نیاز خود به این احکام را احساس کنند؟ مخصوصاً با توجه به این نکته که برخی به مجموعه ای از آیات استشهاد می کنند تا عدم قدرت عقل بشری بر کشف ملاکات احکام را ثابت کنند به عنوان مثال وقتی خداوند متعال جهاد را مطرح کرده و آن را امری مفروض به شمار می آورد که موجب سختی و کراهت است در پایان اضافه می کند: (والله يعلم وأنتم لا تعلمون) (البقرة: ۲۱۶)، و همین طور این ذیل در آیات طلاق آمده است آن جا که خداوند بعد از بیان این نکته که احکام او پاک تر و طاهر تر است میگوید: (والله يعلم وأنتم لا تعلمون) (البقرة: ۲۳۲). همینطور در مورد ارث بعد از بیان سهم هر یک از مرد و زن و پدر و مادر و فرزندان خداوند متعال می گوید: (لا تدرون أیهم أقرب لکم نفعاً فریضة من الله إن الله کان علیماً حکیماً)... چالشی که برای من پیش آمده در این جاست که معتقدم شریعت اگر بخواهد بین مردم زنده باشد و به واقعیت زندگی آن ها مرتبط باشد باید ملاکات احکام - مخصوصاً احکام اجتماعی - برای مردم واضح و آشکار

---

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۸۷.

باشد و عقل بتواند این ملاکات را به گونه ای که مردم حکمت از آن ها را درک کنند و میزان نیاز خود را به آن را احساس کنند درک کند. در نتیجه بدون اکراه یا الزام و با رغبت به این احکام رو کنند. به گونه ای که نگاه به حکم شرعی از صرف یک حکم تعبدی محض که برخی آن را غل و زنجیر می فهمند به یک دستورالعمل الهی برای حل مشکلاتی که انسان در جامعه با آن روبه روست که موافق با عقل و قلب انسان به آن اطمینان دارد تغییر کند... به نظر من هر میزان که ملاکات احکام برای عقل آشکار گردد جلال و جمال شریعت الهی بیشتر آشکار شده و تعلق و ارتباط انسان به آن بیشتر می شود... دیدگاه شما در این زمینه چیست؟!

**پاسخ:** اگر نصوص تصریح به علت داشته باشند یا فقیه بتواند با جمع شواهد و قرائن به علت حکم و ملاک آن اطمینان یابد مشکلی نخواهد بود اما اعتماد بر ظنون در تفسیر ملاکات احکام مشکل اساسی است چرا که نمی توان اسرار شریعت را با مثل این گمان هایی که از سوی خداوند حجتی بر آن اقامه نشده است، درک کرد.

آری، گاهی در روش رایج فقها نوعی مبالغه در ناتوانی خود بر ساخت ملاکات احکام دیده می شود و در نگاه قاصر بنده به نسبت قابل توجهی از ملاکات می توان دست یافت و خود نصوص نیز ما را بر این امر باری می رساند امری که در بسیاری از موارد مورد غفلت قرار گرفته است اما با این وجود معتقدم تحصیل ملاکات تمام یا غالب آن ها از جمله در قضایای اجتماعی امری بسیار سخت و دشوار است تا زمانی که خود عملیات اجتهاد به صورت ریشه ای تغییر نکند.

اما نسبت به موضوع جمال و زیبایی شریعت آنجایی که نمی توان از ملاکات احکام سخن گفت، عرصه برای صحبت درباره حکمت دستورات شریعت باز است زیرا حکمت غیر از ملاک است و علما نیز - به ویژه متأخرین - با صرف نظر از میزان موفقیت آن ها از حکمت بهره زیادی برای ارائه چهره زیبایی از دین برده اند. البته نمی توانیم با حکمت به صورت قطعی به علت رسیده و بر اساس آن اجتهاد نماییم.